

بررسی دیدگاه برخی مستشرقان درباره «همجنس گرایی» در قرآن*

سهیلا جلالی کندی** و اعظم سادات شبانی***

چکیده

برخی از مستشرقان شبهه جدیدی درباره قرآن مطرح کرده‌اند. آنان با استناد به آیه ۲۴ سوره طور همجنس گرایی را مورد تأیید قرآن می‌دانند. نمونه بارز این اندیشه را می‌توان در مدخل «همجنس گرایی» در دائرة المعارف قرآن لایدن یافت. نوشتار حاضر با تکیه بر مفهوم شناسی واژه غلمان و با کمک آیات قرآن و تفاسیر، ادعای طرفداران این نظریه را به چالش کشیده است. بررسی معنای غلمان در زبان عربی عصر نزول و در آیات قرآن مشخص می‌سازد که این واژه به معنای موجوداتی برای تطمیع جنسی نیست. همچنین توجه به معنا و کاربرد کلمات همنشین آن یعنی «طوف» و «ولدان» روشن می‌سازد که وظیفه این موجودات پذیرایی و رفت و آمد برای خدمت به بهشتیان است. به نظر می‌رسد مفاهیم به کار رفته در قرآن درباره آخرت، حالتی استعاره‌گونه دارد؛ چون این امور از دسترس تجربه مستقیم بشر خارج است.

کلیدواژگان: قرآن، مستشرقان، همجنس گرایی، طواف، ولدان، غلمان.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵.

** استادیار دانشگاه الزهراء (s.jalali@alzahra.ac.ir).

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (az.shabani75@gmail.com).

مقدمه

موضوع نوشتار حاضر، بیان و بررسی نگاه مستشرقان به مسئله همجنس‌گرایی در قرآن با تأکید بر مدخل «همجنس‌گرایی» (Homosexuality) دائرة المعارف قرآن (EQ) اورت کی روسون (Everett K. Rowson)، استاد دانشگاه نیویورک است. نخستین کتاب وی بررسی اثری در قرن دهم با موضوع «روح» بود که شکلی از مطابقت میراث نوافلاطونی یونانی با الزامات مذهبی اسلامی را نشان می‌دهد. وی علاوه بر نوافلاطون‌نویسم اسلامی و عربی، در زمینه ادبیات عرب قرون وسطی نیز کار کرده است. توجه به تاریخ جامعه عرب، او را به سمت مطالعات جنسیت سوق داد. بعد از چاپ مقالات متعددی در زمینه همجنس‌گرایی و زن‌صفتی، در حال حاضر کتابی درباره همجنس‌گرایی در فرهنگ اسلامی قرون وسطی و تأثیر آن بر متون ادبی، حقوقی، پزشکی، فلسفی و عرفانی در دست نگارش دارد (<http://meis.as.nyu.edu/object/EverettKRowson.html>).

به نظر می‌رسد شرایط فعلی جهان و مناقشاتی که در زمینه همجنس‌گرایی بین قانون‌گذاران و علمای دینی جوامع مختلف ایجاد شده است، بر ذهن نویسنده این مدخل بی‌تأثیر نبوده و وی به دنبال سرنخ‌هایی در دیدگاه اسلامی برای مشروعیت بخشیدن یا حداقل تلطیف نمودن نظر اسلام در این زمینه بوده است!

در این پژوهش، ابتدا معنای لغوی واژه «غلمان» بررسی شده و با توجه به کلمات جانشین این واژه و ارتباط آن با واژه‌های هم‌نشین و نقش‌های این واژه در ساختار کلی آیه، معنای اصلی آن مشخص شده است. فرضیه این تحقیق بر این استوار است که از واژه غلمان و واژه‌های قریب المعنای آن، معنای تطبیع جنسی حاصل نمی‌شود. از سوی دیگر، بهشت دارای درجات و مراتبی است که چنین تصویری از آن، خطایی بیش نیست.

۶۴ پیشینه

پژوهش‌هایی به زبان لاتین بر پایه طرح شبهات و زیر سؤال بردن اندیشه اسلامی در این زمینه نگاشته شده است. برخی از این آثار عبارتند از:

- El- Rouayheb, Khaled, (2005). *Before homosexuality in the Arab Islamic world, 1500-1800*, USA, The University of Chicago & London,

- Floor, Willem, (2008). *A social history of sexual relations in Iran*, United State, Mage publisher.

- Rowson, Everett K., (1991). *Gender Irregularizing as Entertainment*, The categorization of Gender & sexual Irregularity in Medieval Arabic vice lists, in Julia Epstein & Kristina Straubeds. *Body Guards: The cultural politics of Ambiguity*, New York, London.

-Rowson, Evereth.K, (2001). Homosexuality in Islamic law", "Encyclopedia Iranica" Lewis, B, "music of a Distant Drum: classical Arabic, Persian, Turkish and Hebrew poems", Princeton.

این شبیهات به زبان فارسی نقد نشده و هیچ تحقیقی در این باره انجام صورت نپذیرفته است.

دیدگاه‌های برخی از مستشرقان درباره همجنس‌گرایی در اسلام

در برخی از آثار مستشرقان، دیدگاه‌هایی دور از واقع پیرامون نظر اسلام درباره همجنس‌گرایی دیده می‌شود که تصویر نادرستی از مفاهیم اسلام ارائه می‌دهند؛ از این‌رو، پاسخگویی به این شبیهات جهت نشان دادن حقیقت اسلام ضرورتی انکارناپذیر است. از جمله این آثار، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

برنارد لویس^[1] در کتاب *آواز دهلی از دور* (Music of a Distant Drum) می‌نویسد: «همجنس‌گرایی در اسلام محکوم است، اما زمان‌ها و مکان‌هایی در تاریخ اسلامی وجود دارد که به نظر می‌رسد محدودیت‌های دینی در مورد همجنس‌گرایی به قوت منع زنا در ایتالیای رنسانس یا قرن هفدهم فرانسه نیست. تعدادی از اشعار قدیمی عربی، فارسی و ترکی به طور آشکار به موضوع همجنس‌گرایی پرداخته‌اند. حتی برخی از شعرا اشعار عاشقانه مربوط به جنس زن و مرد را جدا کرده‌اند! (Lewis, 2001, p.26).

۶۵

ویلم فلور (Willem Floor) می‌نویسد: «مسلمانان مانند مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان، تنها ارتباطات جنسی‌شان به ازدواج زن و مرد محدود می‌شود و نه تنها قرآن چنین تأکیدی دارد (نور/ ۳۳)، بلکه پیامبر ﷺ نیز درخواست عثمان را برای ازدواج نکردن رد می‌کند» (Floor, 2008, p.23). این نویسنده در جایی دیگر در مورد گناه بودن و نکوهش

عمل لواط به آیات (اعراف / ۸۰- ۸۴؛ شعراء / ۱۵۹- ۱۷۵؛ نمل / ۵۵؛ عنکبوت / ۲۸- ۲۹) چنین اشاره می‌کند که حقوق‌دانان مسلمان، شیعه و سنی، با استفاده از روایاتی مشکوک به صحت، آمیزش مقعدی بین مردان دو جنسیتی (نه همجنس‌گرایان) را منع می‌کنند. وی می‌افزاید: «توصیف دو جنسیتی از آن جهت آمده که مشکل همجنس‌گرایی در اسلام به طور روشن بیان نشده و این ممنوعیت درباره رابطه مردان با مردان و نه درباره ارتباط با زنان (به طریق خارج از عرف) بوده است». او در ادامه می‌نویسد: «در روایات اتباع تابعین از «مخنت» که همان مردان دو جنسیتی هستند، یاد شده؛ گرچه در قرآن مستقیماً از این افراد یاد نشده، ولی به نظر می‌رسد آیه ۳۱ سوره نور راجع به آنان است» (Floor, 2008, pp.283-285). وی با ذکر روایاتی به رواج این روابط در عصر پیامبر ﷺ اشاره می‌کند و در نهایت، با سبک و سیاقی متفاوت از آنچه تاکنون گفته است، با نقل روایتی از صحیح بخاری تردید پیامبر ﷺ را در نهی از این کار بیان می‌کند.

فلور آیات ۲۰-۲۹ سوره طور و ۱۹ سوره انسان را تأیید قرآن نسبت به همجنس‌گرایی می‌داند! و می‌گوید: «عمدتاً مفسران این آیات را نادیده می‌گیرند و از تفسیر آن می‌گذرند» (Floor, 2008, p.285).

الروعیهب^[۲] در کتاب پیش از همجنس‌گرایی در جهان اسلامی عرب می‌نویسد: «در افکار عمومی درباره بهشت، صحبتی از استعاره نیست و در بهشت روابط جنسی وجود دارد و مؤمنان دعا می‌کنند و از خدا می‌خواهند که برایشان حوری ذخیره کند». سپس به سخن غزالی، به عنوان یکی از مهمترین اندیشمندان اسلامی اشاره می‌کند: «بهشتی که وعده روابط جنسی می‌دهد، درمانی است برای شهوت شکم و تمایلات جنسی. میل به روابط جنسی بر شخص غلبه دارد... و در بهشت این امر مقدمه‌ای برای دریافت لذات بهشتی است». الروعیهب مکرراً در کتاب خود، بهشت و مسائل مربوط به آن را از جنس ماده دیده و تعبیر دنیایی را برای آن، تنها بیان مصداقی برای فهم بشری نمی‌داند (El-Rouyaheb, 2005, p.28).

از مجموع نظر این مستشرقان که برای نمونه ذکر شد، پرداختن به این موضوع و واکاوی نظر قرآن ضرورت می‌یابد.

خلاصه‌ای از مدخل همجنس‌گرایی در دائرةالمعارف قرآن

روسون در این مدخل ابتدا به تعریف همجنس‌گرایی پرداخته و به عدم قطعیت احکام مجازات مربوط به امر لواط و عدم اجماع (Consensus) در این باره اشاره می‌کند. از طرفی دیگر، بیان داشته که اگرچه اسلام این امر را قبیح دانسته، ولی در بهشت به مردان مؤمن وعده «غلمان» داده است. وی از آن به پسران جوانی تعبیر می‌کند که برای همجنس‌بازی مردان بهشتی در نظر گرفته شده‌اند! سپس می‌نویسد: «این مفهوم در قرآن بسیار کم و غیرمستقیم به کار رفته و بیشترین خطاب آن در داستان حضرت لوط علیه السلام آمده است. وی پس از اشاراتی به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء، می‌نویسد: «جوانانی که به عنوان ساقی در بهشت معرفی شده‌اند، گاه در بردارنده لذات جنسی برای مردان ساکن بهشت هستند!» (Mc. 2002, v1, p.444).

برای پاسخ به این مدعا، ابتدا آیاتی بررسی می‌شود که از نظر روسون دربردارنده چنین مفهومی است. سپس با کاوشی بر معانی دقیق واژگان مرتبط در این آیات و دیگر آیات موجود در قرآن، با توجه به سیاق آیات، معنای صحیح ارائه و در انتها با مراجعه به تفاسیر اجتماعی و اجتهادی، نظر اسلام در این باره بیان می‌شود.

غلامان بهشتی در آیات قرآن

در مجموع سه آیه در قرآن موجود است که مفهوم اشتباهی را که آقای روسون در این مدخل بیان کرده، می‌تواند به ذهن برخی متبادر سازد:

الف) ﴿يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّحَلَّدُونَ﴾ (واقعه/ ۱۷) «بر گردشان پسرانی جاودان [به خدمت] می‌گردند».

ب) ﴿وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّحَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا﴾ (انسان/ ۱۹)؛ «و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می‌گردند. چون آنها را ببینی، گویی که مرواریدهایی پراکنده‌اند».

ج) ﴿وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ﴾ (طور/ ۲۴)؛ «و برای [خدمت] آنان پسرانی است که بر گردشان همی‌گردند، انگاری آنها مرواریدی‌اند که [در صدف] نهفته است».

دو واژه «غلمان» و «ولدان» به خدمتکاران بهشتی اشاره می‌کند که از نظر نویسنده مدخل در خدمت جنسی مردان بهشتی قرار می‌گیرند!

معنای لغوی «غلمان»

اگرچه در بررسی معنای یک واژه رجوع به کتب لغت اولین و مهم‌ترین گام در زمینه آشنایی اولیه با یک واژه است، ولی نباید نادیده گرفت که در این طریق خطر تحریف معنا وجود دارد. در واقع، می‌توان گفت همین امر باعث دشواری‌های کار ترجمه می‌گردد (Richard Robinson, (1950. Defenition: Oxford, Chapter2, Session2).

ساده‌ترین و متداول‌ترین راه دانستن معنای یک واژه، ذکر واژه‌های معادل و هم‌معنای آن در همان زبان است، ولی کسانی که با زبان عربی آشنا نیستند، معتقدند حتی نزدیک‌ترین معادل‌ها هرگز حق واژه‌های اصلی را ادا نمی‌کنند. لذا لازم است به خطرهای استنتاجات عجولانه مبتنی بر این معادل‌ها توجه نمود. ایزوتسو راه حل این مشکل را چنین می‌داند: «برای دوری از چنین خطری، باید تعریف واژه به واژه را به صورت ارتباطی بی‌واسطه و مستقیم میان واژه با برشی معین از واقعیت غیر زبانی بیرون آورد نه آنکه آن را به صورت تعریف غیر مستقیم «واژه - شیء» تغییر داد» (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ۱۳۸۸: ۴۷).

برای دستیابی به معنای دقیق غلمان، باید تحقیق شود که اولاً در زبان عربی عصر نزول این واژه چه معنایی داشته و ثانیاً در زبان قرآن به چه شخصی و با چه نوع ویژگی، اطلاق شده است.

در العین آمده است: ریشه «غلم» یعنی غلبه کردن شهوت و «غلام» به معنای نوجوانی است که تازه موی پشت لبش درآمده باشد (فراهیدی، العین، ۱۳۶۵: ۴/۴۲۲). ابن فارس می‌نویسد: «غَلِم» یعنی تیز شهوت شد و «غُلام» یعنی جوانی که موی پشت لبش درآمده است» (ابن فارس، مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۷۷۳). ابن درید می‌نویسد: «غُلام» از ریشه «غلم» به معنای جوان و جمع آن «غُلَمه» و «غِلمان» و مؤنث آن «غُلَامة» است، ولی «الغلمه» به معنای شهوت نکاح در زن و مرد است» (ابن درید، ترتیب جمهره اللغة، ۱۳۸۶: ۱/۲/۶۶۸).

ابن منظور «غلم» را به معنای تیز شدن شهوت می‌داند و واژه «غلمان» را جمع «غلام» می‌داند و به جوان و جوانمرد ترجمه می‌کند که این جوانی از زمان تولد تا بزرگ شدن است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸: ۱۲/۴۴۰). مصطفوی می‌گوید: «غلمان» جمع «غلام» و آن طفلی است که هنوز به بلوغ کامل نرسیده است (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۵: ۷/۲۶۱).

لغت‌نامه‌های معاصر عربی در معنای آن آورده‌اند: غلام به معنای نوجوان، نوخط، پسر بچه، بنده، خدمتکار، اجیر، مزدگیر بوده و جمع آن غلمان، غلمه و اغلمه است. غلامه نیز به معنای دختر نزدیک بلوغ و کنیز است (بستانی، فرهنگ جدید عربی - فارسی، ۱۳۸۳: ۳۹۹؛ صفی‌پور، منتهی الارب فی لغه العرب، بی‌تا: ۴/۹۲۸؛ زاوی طرابلسی، قاموس المحيط، ۱۹۵۹م: ۳/۳۶۳؛ حیدری، المنهل فی الفروق اللغویه، ۱۳۹۰: ۱/۳۱۶).

برخی این واژه را معرب می‌دانند و بر آن‌اند که غلمان معرب واژه فارسی «گلمان» به معنای بسان گل، گلگون و همچون گل شاداب می‌باشد. برخی دیگر آن را واژه ترکی «قُولام» (Qulam) دانسته‌اند که در عربی تبدیل به «غلام» شده است. و غلمان همان «قیلمان» (Qilman) به معنای خدمتکار (قیلماق: انجام دادن و قولماق: خواستن) است (زارع شاهمرسی، فرهنگ واژگان دخیل ترکی در زبان‌های فارسی و عربی، ۱۳۹۱: ۷۲).

برخی دیگر این واژه را جزو معربات ندانسته‌اند. همچنین در کتاب‌های المتوکل فیما ورد فی القرآن باللغات و فرهنگ واژگان خارجی قرآن کریم (ر.ک: جفری، فرهنگ واژگان خارجی، ۱۳۸۵؛ سیوطی، المتوکل فیما ورد فی القرآن باللغات، ۱۴۰۸) و در المعرب من الکلام الأعجمی علی حروف المعجم جزو معربات نیامده است! (ر.ک: جوالیقی، المعرب من الکلام، ۱۹۹۵م). همچنین آذرتاش آذرنوش، زبان‌شناس معاصر که در کتاب سبیل نفوذ الفارسیه (فی ثقافه عرب الجاهلیه و لغتهم) به بررسی دقیق واژه‌های فارسی در ابعاد مختلف زبانی پرداخته است و با نگاهی نو تأثیر این واژه‌ها را چه در شعر و ادبیات عرب و چه در استفاده‌های عامیانه و... بیان کرده، واژه غلمان را نیاورده است! (آذرنوش، فرهنگ‌های عربی - فارسی، ۱۴۲۵ق: ۱۳۹-۱۵۵، ۱۹۱-۲۲۰، ۲۲۱-۲۲۵)؛ بنابراین، معرب بودن واژه «غلمان» مورد تردید است.

معنای لغوی واژه «غلمان» در ترجمه‌های فارسی قرآن، به دو گروه اصلی تقسیم می‌گردد:
 ۱- خدمتگزاران: از واژه‌هایی چون غلامان و خادمان در ترجمه فارسی استفاده شده است. در برخی ترجمه‌ها نظیر طبری، «میبدی»، «نسفی»، «رازی»، «فیض الاسلام»، «شعرانی»، «کاویان پور»، «سراج»، «رهنما»، «خسروانی»، «پاینده»، «یاسری» و «صادق نوبری» این معنا به کار رفته است.

۲- پسران: از واژه‌هایی نظیر «نوجوانان» و «جوانان» نیز در ترجمه فارسی استفاده شده است. در ترجمه‌هایی چون ارفع، اشرفی، الهی‌قمشه‌ای، انصاریان، برزی، بروجردی، پورجوادی، خانی و

ریاضی، طبرسی، بلاغی، معینی، مجد، خواجهوی، رضایی اصفهانی، ثقفی تهرانی، مصطفوی، طاهری، فارسی، فولادوند، گرمارودی، مجتبیوی، بانو امین، مشکینی، مصباحزاده، معزی، مکارم شیرازی، انصاری خوشابر، دهلوی، صفی علی شاه و صفارزاده این ترجمه دیده می‌شود.

البته در هر دو معنا، صحبت از خدمتگزاری پسران، جوانان، نوجوانان و غلامان یا خدمتگزاران جهت پذیرایی و دادن خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های بهشتی به بهشتیان است و نه امری دیگر و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، واژه‌ها متفاوت هستند، ولی در معنا تفاوتی وجود ندارد. در واقع، می‌توان گفت در این ترجمه‌ها گاهی به اسم این موجودات و گاه به کار آنها اشاره شده است.

در بررسی ترجمه‌های انگلیسی نیز همین نتایج حاصل گردید. در اینجا به بعضی از این ترجمه‌ها اشاره می‌شود:

۱. خدمتگزاران (Servents / Menservents): ترجمه‌های پیکتال (Pickthall) و محمد و سمیرا احمد (Mohammad and Samira Ahmad)، «غلمان» را به «خدمتگزاران» ترجمه کرده‌اند.

۲. پسران (Boys : Young men: Youths): ترجمه‌های «شاکر (Shakir)، «یروینگ» (Irving T. B)، «صفارزاده» (Saffarzadeh)، «قرایی» (Qara'i)، «سرور» (H.G. Sarwar)، «یوسف‌علی» (Yusuf Ali)، «آربری» (Arberry)، واژه یاد شده را به «پسران» ترجمه کرده‌اند.

نکته جالب توجه این است که واژه‌های «servents, menservents, boys, youngmen, youths» نیز همچون ترجمه فارسی، در یک معنا به کار رفته است.

جمع بندی

۱. اگرچه «غلم» در ثلاثی مجرد و در باب افتعال به معنای هیجان شهوت نکاح به کار رفته، ارتباط آن با واژه غلام از جهت روشن نمودن برخی ویژگی‌های یک فرد جوان است؛ چرا که طلب نکاح، امری فطری و اوج آن در سنین جوانی است.

۲. گاهی اوقات یک واژه معنای حقیقی و مجازی دارد و می‌تواند در بردارنده مفاهیم متعددی باشد. معنای این واژه با توجه به سیاق جمله مشخص می‌گردد.

۳. معنای اصلی و مشهور واژه غلام در زبان عربی نوجوان است و طبق نظر برخی لغویان از زمان تولد تا زمان بلوغ را شامل می‌شود و معنای دوم آن خادم است. ۴. نظر به اهمیت ترجمه و مقدمات علمی لازم برای مترجم جهت ترجمه از یک سو و عرب زبان بودن اکثر مترجمان قرآن و آشنایی به دقایق و ظرایف ادبی از سوی دیگر، طبیعی است که آنان به بهترین نحو واژگان قرآنی را به زبان دیگر ترجمه کرده‌اند. به این ترتیب، این شبهه که مترجمان در فهم معنا دقت لازم را نداشته‌اند و این واژه، همان معنای مورد نظر نویسنده مدخل را دارد، متفی است.

کاربرد واژه «غلام» در قرآن

تعداد استعمال یک واژه نسبت به واژگان دیگر در هر متن، نشان اهمیت آن واژه در انتقال معنای مورد نظر گوینده است. در قرآن نیز بعضی از واژه‌ها بار معنایی چندانی مهمی ندارند، لذا کمتر استفاده شده‌اند (ر.ک: تلخایی، ۱۳۷۸: ۲۰).

واژه غلام، مفرد غلمان در ۱۲ آیه آمده است آل عمران/ ۴۰؛ یوسف/ ۱۹؛ حجر/ ۵۳؛ کهف/ ۸۲، ۸۰، ۷۴؛ مریم/ ۷، ۸، ۱۹، ۲۰؛ صافات/ ۱۰۱؛ ذاریات/ ۲۸) که بنا به نظر مفسران در اکثر این آیات به معنای فرزند است، ولی در سه آیه به این معنا به کار نرفته است. در آیه ۷۴ سوره کهف به داستان خضر و موسی (علیهم‌السلام) اشاره شده که در بین راه به پسر بچه‌ای که با بچه‌ها مشغول بازی بود، برخوردند. خضر کاردی کشید و پسر بچه را کشت. اصم گوید: «جوانی» بود؛ چون گاهی در ادبیات عرب، به مرد «غلام» گفته شده است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵/ ۱۰۶).

آیه ۸۲ سوره کهف به این موضوع اشاره دارد که در زیر دیوار، کنار زمینی متعلق به دو پسر بچه یتیم شهر (ناصره)، گنجی پنهان بود، «غلامین» (دو پسر بچه) بر دو نیروی علامه و عماله تأویل شده است... (خانی و دیگران، ترجمه قرآن، ۱۳۷۲: ۸/ ۴۵۵). همچنین آیه- ۱۲ سوره یوسف به پیدا شدن یوسف در چاه اشاره می‌کند. به این ترتیب، در ۳ سوره آیه یاد شده، غلام به دو معنای جوان و پسر بچه به شکل عام به کار رفته است.

از بیان این مطالب معنای صحیح غلام آشکار می‌گردد. نکته جالب توجه در تمامی آیات مذکور این است که به انبیاپی چون ابراهیم (علیه‌السلام) و زکریا (علیه‌السلام) بشارت فرزند پسری داده شده و حضرت مریم (علیها‌السلام) به آمدن عیسی (علیه‌السلام) مژده داده می‌شود. حال آیا می‌توان گفت، قرآن از واژه‌ای برای انبیا استفاده می‌کند که بنا به تلقی آقای روسون، مفهوم ناپسندی را با خود حمل کند؟!

معنای واژه ولدان به عنوان جانشین واژه غلمان

با توجه به مفهوم و محتوای آیه ۱۷ سوره واقعه، می توان گفت ولدان جانشینی برای واژه غلمان است؛ چراکه با توجه به سیاق آیه، ملاحظه می گردد که هر دو واژه دارای مفاهیم یکسانی در دو سوره واقعه و طور هستند.

مفرد این کلمه الولد، الولد و الولد است و در معنای بچه، فرزند، بچه هر چیز، هر چیزی که از دیگری به وجود آمده که در مذکر، مؤنث، مفرد، تثنیه و جمع استعمال می شود و گاهی جمع آن اولاد، ولده، ولده و ولد است (بستانی، منجد الطلاب، ۱۳۸۳: ۶۹۲؛ سیاح، فرهنگ جامع نوین عربی - فارسی، بی تا: ۱۷۳۶؛ انطون الیاس، فرهنگ نوین عربی - فارسی، ۱۳۷۷: ۸۱۳؛ صفی پور، منتهی الارب فی لغه العرب، بی تا: ۱۳۳۷). در بعضی از کتاب های لغت، معنای نسل، بچه حیوان و نوزاد غیر انسان برای آن آمده است (آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ۱۳۸۸: ۷۶۹).

تفاوت و تشابه معنایی ولدان با غلمان

در قرآن واژگان کاملاً هم معنا و بدون هیچ تفاوت معنایی نمی توان یافت؛ به عبارت دیگر، دو واژه از لحاظ معنا کاملاً مثل هم نیستند. ارتباط دو واژه غلمان و ولدان در تضمن معنای جوانی و خدمتگزار بودن است به خصوص اینکه نوع خدمتشان هم یکسان می باشد (مثل دادن طعام و نوشیدنی). از لحاظ سبک شناسی، تفاوت کوچکی در معنای آن وجود دارد. اطلاق اسم غلمان نشانگر مالکیت است؛ یعنی این پسران منحصراً متعلق به اصحاب جنت هستند و نیز نشانگر ویژگی های زیبایی ظاهری آن پسران جوان است. اما اسم ولدان بیشتر نشانگر سن است و اینکه پسران بزرگ تر نخواهند شد (عبدالرئوف، سبک شناسی قرآن کریم، ۱۳۹۰: ۲۲۰). آنچه در پژوهش حاضر قابل استفاده است، جانشینی این دو واژه در معنای خدمت رسانی به اهل بهشت است که از این منظر، دو واژه هم معنا هستند.

ممکن است این شبهه مطرح گردد که کلمه از لحاظ معنایی می تواند کاربردهای مختلفی داشته باشد. اگرچه واژگان غلمان و ولدان بار معنایی منفی ندارند، می توان آن دو را در مفهوم خاص مورد نظر نویسنده به کار برد. اگر قرار باشد رابطه ناپسند جنسی بین دو مرد مطرح شود، ناگزیر از واژه مرد یا پسر استفاده می شود. در جواب باید گفت به دو دلیل ذهن از چنین خطایی درباره مفهوم آیه مصون می ماند. یکی سیاق آیه و واژگان هم نشین این دو واژه

است که در حوزه معنایی این واژگان قرار می‌گیرند و مفهوم روشنی را از این موجودات در بهشت ارائه می‌دهد و دیگر آنکه ماهیت بهشت و ویژگی‌های آن باعث می‌شود به تعریف درستی از این موجودات و کار آنها در بهشت دست یافت.

واژه «یطوف» همنشین غلمان و ولدان

«یطوف» به عنوان واژه همنشین غلمان و ولدان، درحوزه معنایی این دو واژه قرار می‌گیرد. در واقع، وظیفه و نقش غلمان و ولدان با این واژه مشخص گردیده و «یطوف» به توصیف و تشریح وظیفه این دو کلمه می‌پردازد.

«یطوف» از ریشه طوف به معنای دورزدن و اطراف چیزی چرخیدن و مصدر آن طواف است. وقتی گفته می‌شود، «طاف بالبيت» یعنی دور خانه دور زد (فراهیدی، العین، ۱۳۶۵: ۷/۴۵۸؛ ابن‌درید، ترتیب جمهیر اللغة، ۱۳۸۶: ۲/۹۲۱؛ فیروزآبادی، القاموس المحیط، بی‌تا: ۳/۲۲۹). مصطفوی در معنای آیه ۱۷ سوره واقعه می‌نویسد: «با ظرف‌هایی به منظور ریختن آب و شست‌وشوی [دستها] به هنگام [خوردن] غذا به دور بهشتیان می‌گردند (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴۳۰: ۷/۱۷۰).

با توجه به معنای لغوی این کلمه، مشخص می‌گردد که وظیفه غلمان و ولدان چیزی جز ارائه خدمت و پذیرایی از بهشتیان نیست. علامه می‌نویسد: «طواف کردن پسرانی بهشتی در اطراف مقرین کنایه از حُسن خدمت‌گزاری آنان است» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۱۹/۲۲۹) به خصوص اینکه در آیه دیگری به طور مشخص این نوع از خدمت تعریف شده و آن، چیزی جز پذیرایی غذایی و نوشیدنی نیست: «يَا كُوَافِرِينَ يَا بَلِغَةَ رَبِّكَ لَوْلَا رِزْقُ رَبِّكَ لَكُنَّ كَالْحَمِيمِ» (طور/ ۱۸). از نظر مصطفوی قید آیه ۲۴ طور به غلمان، به وجود مخصوص غلمان برای بهشتیان [از باب خدمت‌رسانی] اشاره می‌کند و آنها موظف به این خدمت هستند. غلمان به معنای کارگزاران و خدمتکاران بهشتی می‌باشند که در حال پذیرایی از بهشتیان هستند. کلمه غلام به علاقه شدید آنها به وظایف محوله به آنان اشاره دارد. آنچه به آن امر شده‌اند، از روی خلوص و صفای نیت و طهارت قلب همچون مرواریدی پنهان انجام می‌دهند. در نهایت، مصطفوی بیان می‌کند: شهوات از عوامل عیش دنیوی است که با مرگ بدن آن هم زوال می‌یابد (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۵: ۲۶۱).

در آیاتی دیگر واژه «طوف» به شکل فعلی آن در باب تفعّل به کار رفته است که به معنای طواف کردن است (بقره/ ۱۵۸؛ حج/ ۲۹). در آیه‌ای دیگر به صورت ثلاثی مجرد آمده که سرگردانی گنهکاران در جهنم را بیان می‌کند که نوعی حرکت و چرخش بدون هدف را نشان می‌دهد (الرحمن/ ۴۴) و معنایش این است که: مجرمان بین این آتش و بین آبی بی نهایت داغ می‌آیند و می‌روند (ر.ک: طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۱۸۱)، ولی این واژه در آیه ۵۸ سوره «نور» در قالب اسم آمده که اصطلاحاً به معنای معاشرت و گرد هم جمع شدن است. در جمله ﴿طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ بیان شده که در سه زمان قبل از نماز فجر، هنگام ظهر که به خانه می‌آیید و جامه می‌کنید و بعد از نماز عشاء، غلامان و کنیزان اجازه ورود ندارند، ولی به علت آمد و شد و خدمت‌رسانی، تنها به اجازه خواستن در این سه هنگام اکتفا کنند (طبرسی، جوامع الجامع، ۱۳۷۷: ۴/ ۳۳۳؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۲۷).

به این ترتیب در هیچ کدام از این آیات، فعل طوف بیانگر عملی نادرست و شنیع نیست و تنها متضمن اصل معنای این واژه یعنی به گرد چیزی چرخیدن و دور زدن است.

دیدگاه اسلام درباره همجنس‌گرایی

در قرآن مجید در سوره‌های اعراف، انبیا، هود، حجر، النمل و عنکبوت به وضع قوم لوط و گناه بسیار زشت آنها با تعابیر مختلف اشاره شده است. مفاهیم مسرف، خبیث، فاسق، جاهل، و منکر و... در این آیات در خصوص افراد مرتکب به این عمل شنیع دیده می‌شود (ر.ک: مؤمنون/ ۷؛ اعراف/ ۸۱؛ انبیا/ ۷۴؛ نمل/ ۵۵؛ عنکبوت/ ۲۹).

آیات متعددی در قرآن به طور تلویحی و آشکار از رعایت اخلاق و امور زناشویی صحیح صحبت می‌کند: ﴿فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ (مؤمنون/ ۷) و نیز می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ (روم/ ۲۱) و در توییح عاملان لواط می‌فرماید: ﴿اتَّاتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ (شعراء/ ۱۶۵) و نیز در جایی دیگر خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَدْ زُورُوا مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾ (شعراء/ ۱۶۶)؛ لذا موضع اسلام نسبت به این رفتار ناپه‌نجان و پلید مشخص می‌گردد. حال چطور ممکن است این دیدگاه دچار تزلزل شده و مفاهیمی مخالف اصول ارزشی اسلام در بهشت موعود و به پاداش رعایت حدود الهی در دنیا، به عنوان ثواب در آخرت مطرح شود؟! در اسلام آموزه‌هایی

با عنوان صبر در برابر گناه یا خودداری و خویش‌داری از گناه وجود دارد، ولی این تعبیر صرفاً به معنای ریاضت کشیدن و محروم ساختن خویش از برخی لذت‌های دنیوی نیست، بلکه بیانگر ماهیت پلید و زشت خود آن گناهان است.

روایات پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام در مذمت همجنس‌گرایی به قدری زیاد است که هر کس در می‌یابد کمتر گناهی در قیاحت به پایه آن می‌رسد. در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «لما عمل قوم لوط ما عملوا بکت الارض الی ربها حتی بلغ دموعها الی السماء، بکت السماء حتی بلغ دموعها العرش، فاوحی الله الی السماء ان احصیهم، و اوحی الی الارض ان اخسفی بهم»؛ «هنگامی که قوم لوط آن اعمال ننگین را انجام دادند، زمین آن چنان ناله و گریه سر داد که اشک‌هایش به آسمان رسید و آسمان آن چنان گریه کرد، که اشک‌هایش به عرش رسید. در این هنگام خداوند به آسمان وحی فرستاد که آنها را سنگباران کن! و به زمین وحی فرستاد که آنها را فرو بر» (صدوق، الاعتقادات، ۱۳۷۹: ۱/۵۷۵). در این روایت جنبه تشبیه و کنایه دارد. همین‌طور در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «اگر سزاوار بود کسی را دو بار سنگسار کنند، بدون شک لواط‌کار را دو بار سنگسار می‌کردند» (همان، ۱/۵۷۵). در حدیثی دیگر از امام صادق علیه‌السلام آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «من جامع غلاما جاء یوم القیامة جنبا لا ینقیه ماء الدنیا و غضب الله علیه و لعنه و اعد له جهنم و ساءت مصیرا ثم قال ان الذکر یرکب الذکر فیهتز العرش لذلك»؛ «هر کس با نوجوانی آمیزش جنسی کند، روز قیامت ناپاک وارد محشر می‌شود؛ آن چنان که تمام آب‌های جهان او را پاک نخواهند کرد و خداوند او را غضب می‌کند و از رحمت خویش دور می‌دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته است و چه بد جایگاهی است ...» سپس فرمود: «هر گاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند، عرش خداوند به لرزه در می‌آید» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۵/۵۴۴). در حدیث دیگری از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «انها که تن به چنین کاری می‌دهند بازماندگان سدوم (قوم لوط) هستند». سپس اضافه فرمود: «من نمی‌گویم از فرزندان، ولی از طینت آنها هستند». سؤال شد همان شهر سدوم که زیر و رو شد؟ فرمود: «آری، چهار شهر بودند ...» (همان، ۵/۵۴۹).

روایت دیگری از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نقل شده است: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ هُمُ الْمُخَنَّثُونَ وَ اللَّاتِي يَنْكِحُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

وَ إِنَّمَا أَهْلَكَ اللَّهُ قَوْمٌ لُوطٍ حِينَ عَمِلَ النِّسَاءُ بِمِثْلِ عَمَلِ الرِّجَالِ وَ رَأَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۰۶: ۲۶۷)؛ پیامبر خدا ﷺ آن مردانی را لعنت کرد که خود را شبیه زنان می‌سازند و زنانی را لعنت کرد که خود را شبیه مردان می‌کنند و اینان مردانی زن صفت‌اند و زنانی هستند که با یکدیگر نزدیکی می‌کنند و همانا خداوند قوم لوط را تنها به سبب این نابود ساخت که زنان عمل مردان را انجام دادند و با یکدیگر نزدیکی نمودند.»

ظاهراً پیش‌داوری روسون و افراد هم‌فکر او به اندیشه غلط آنان درباره بهشت برمی‌گردد. گویی بهشت مفری برای محرومیت‌های دنیوی و تتمع متقیان بعد از دوره ناکامی‌هاست! برای روشن شدن حقیقت، به مفهوم بهشت و درجات آن می‌پردازیم.

ثواب‌های اخروی و درجات بهشت

آیاتی در قرآن وجود دارند که حاکی از طبقات و درجات مختلف بهشت و جهنم می‌باشد. باید توجه داشت که این تعابیر حالت استعاره گونه دارند؛ چراکه از دسترس تجربه مستقیم بشر خارج هستند. طبق توصیفاتی که از این دو مفهوم در قرآن و احادیث آمده است، در ذهن انسان جهنم و بهشت به طور استعاری - از این حیث که به تجربه در نمی‌آیند - به صورت مکان‌هایی ترسیم شده‌اند که جهنم در جایی پست قرار دارد و پر از آتش و همچون شکنجه گاه و زندان است و دوزخیان موجوداتی طرد شده و دشمن یکدیگرند و در تنهایی و زجر به سر می‌برند، درحالی‌که بهشت باغی سبز و خرم و پر از امکانات است که درجای مرتفع واقع است و بهشتیان که از انواع نعمات برخوردارند، با یکدیگر تعامل دارند و در شادی و نشاط زندگی می‌کنند (ر.ک: یگانه، بررسی استعاره‌های بهشت و جهنم، ۱۳۹۲: ۶۵). نهایت آنکه می‌توان دریافت، بهشت دارای مراتب مختلفی است که انسان‌ها با توجه به سعی و تلاششان در دنیا از آن برخوردار می‌شوند. ملاصدرا در این باره می‌گوید:

«بدن‌های اخروی بین دو عالم مجردات محض و طبیعت مادی قرار دارند و جامع تجرد و تجسم هستند و بسیاری از لوازم این بدن‌های دنیوی را ندارند... و عالم آخرت و درختان و نهرها و خانه‌ها و بدن‌هایی که در آن هستند، همگی صدای ادراکی بوده که وجودشان عین مدرکیت و محسوسیت آنهاست» (ملاصدرا، الحکمه المتعالیه، ۱۹۸۱ م: ۹/ ۱۸۳).

طبق فرموده قرآن بهشت و دوزخ خارج از زمین است (زمر/ ۷۳ و ۷۱؛ فجر/ ۲۳) توصیف نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های دوزخی، در نتیجه وجود انواع حرکات و تغییرات در این دو

سرای جاوید است. تغییر و حرکت در بهشت به انحای مختلف وجود دارد، ولی برخلاف جهنم، در بهشت دائماً نعمت و لذتی جای خود را به نعمت و لذتی والاتر می‌دهد (افضلی، ماده زمان و مکان در عوالم پس از مرگ، ۱۳۸۲: ۵۳-۶۳).

بهشتیان نه تنها سخنان زشت و گناه‌آلود که حتی سخنان لغو و بیهوده هم نمی‌شنوند (مریم / ۶۲؛ واقعه / ۲۵؛ نبأ / ۳۵) یعنی هر سخنی خیر و مفید است و بهشت الهی «دارالسلام» است (یونس / ۱۰؛ رعد / ۲۴؛ ابراهیم / ۲۳؛ احزاب / ۴۴). والاتر از همه اینها، سلام پروردگار به آنها می‌باشد، (یس / ۵۱). درآیه ۷۲ سوره توبه، از رضوان الهی یاد شده است. نعمت‌ها و لذت‌هایی که کسی به ذهنش خطور نمی‌کند (سجده / ۱۷).

با توجه به ویژگی‌های برشمرده از بهشت، پندار «روسون» کاملاً رنگ می‌بازد! چراکه بهشت جنس زمینی ندارد که لذاتش هم در این قاب کوچک بگنجد و براساس آیات، جایی که تحیت خدا به بندگانش وجود دارد و دارالسلام است، لذات دنیوی رنگ می‌بازد.

مواهب جهان مادی، اگر به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به تکامل معنوی انسان استفاده گردد، از هر نظر قابل تحسین است، اما اگر به عنوان هدف مورد توجه قرار گیرد، درخور مذمت است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آن کس که با چشم بصیرت به دنیا بنگرد، دنیا به او آگاهی می‌بخشد و آن کس که به خود آن نگاه کند، دنیا او را نابینا خواهد کرد» (عابدینی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۸۹).

در آیات مختلف از صفات انسان‌هایی که شایسته بهشتند، صحبت شده است؛ صفاتی از قبیل: مؤمنان (توبه / ۷۲)؛ پایداران در ایمان (فصلت / ۳۰)؛ پرهیزکاران (آل عمران / ۱۵)؛ نیکان (انسان، ۵)؛ مخلصان (صافات / ۴۰)؛ شهیدان (آل عمران / ۱۶۹)؛ مهاجران (آل عمران / ۱۹۵)؛ رزمندگان (توبه / ۸۹)؛ خداترسان (رحمن / ۴۶)؛ توبه‌کنندگان (نازعات / ۴۱)؛ مطیعان خدا و رسول او (آل عمران / ۱۳۳)؛ دشمنان دشمنان خدا (مجادله / ۲۰-۲۲)؛ پیشگامان در خیرات (فاطر / ۳۳)؛ مخالفان هوای نفس (نازعات / ۴۱)؛ راستگویان (مائده / ۱۱۹)؛ نمازگزاران (مؤمنون / ۱۱)؛ تصدیق‌کنندگان قیامت (معارج / ۲۶ و ۳۵)؛ نیکوکاران (مائده / ۸۵)؛ شایسته‌کاران (نساء / ۵۷)؛ وفاداران به عهد و پیمان (رعد / ۲۰ و ۲۲)؛ امانتداران (مؤمنون / ۸، ۱۰ و ۱۱)؛ شکیبایان (انسان / ۱۲)؛ زکات‌پردازان (مؤمنون / ۱، ۴، ۱۰ و ۱۱)؛ آمرزش‌طلبان (بقره / ۱۹۹ و آل عمران / ۱۳۵، ۱۳۶)؛ انفاق‌کنندگان (رعد / ۲۲-۲۴) و ...

با توجه به ویژگی‌های بهشتیان، بسیار بعید به نظر می‌رسد، لذات بهشتی آنان تا این حد روسون ادعا کرده، پایین آورده شود. اگرچه خداوند وعده بهره‌مندی از نعمات بهشتی و لذات آن را داده است، ولی این منافاتی با اصل بهره‌مند شدن از هر نوع لذتی به شکل طبیعی خود، از جمله لذت جنسی ندارد. علاوه بر این، مشخص گردید بهشت دارای درجات متفاوتی است که هر یک می‌تواند خصوصیات ویژه خود را داشته باشد. از سوی دیگر، جنس بهشت با جنس دنیا متفاوت بوده و وقتی عناصر مکانی و زمانی امری تغییر یابد، مختصات و ویژگی‌های آن ظرف نیز دچار دگرگونی می‌گردد. نگاهی به اوصاف بهشتیان می‌تواند روشنگر تمایلات آنان باشد؛ بنابراین، جنس لذات دنیا و آخرت با هم متفاوت است و قیاس کردن آن با لذات این دنیا صحیح نیست.

نتیجه

- ۱- «غلمان» در زبان عربی عصر نزول به معنای نوجوان بوده و معنای دوم آن خادم است.
- ۲- غلمان در معنای قرآنی یعنی کارگزاران و خدمتکاران بهشتی و در آیه ۲۴ سوره طور به وجود مخصوص آنها برای بهشتیان و علاقه شدید آنان جهت خدمت و انجام وظایف محوله اشاره دارد. این معنا رفع شهوت را شامل نمی‌شود؛ چرا که شهوت از عوامل عیش دنیوی است که با مرگ بدن پایان می‌یابد.
- ۳- «غلام» مفرد کلمه غلمان نیز در آیاتی آمده است و به معنای فرزند به ویژه فرزند پسر است؛ در این آیات عمدتاً از بشارت فرزند دار شدن پیامبرانی چون ابراهیم علیه السلام و زکریا علیه السلام و مژده آمدن عیسی علیه السلام به مریم علیها السلام صحبت شده است.
- ۴- معرب بودن واژه غلمان مورد تردید است.
- ۵- ولدان جانشین واژه غلمان است، با این تفاوت که بیشتر بیانگر سن این موجودات است و براین دلالت دارد که ایشان از یک سنی بالاتر نخواهند رفت و همیشه جوان باقی می‌مانند.
- ۶- واژه یطوف به عنوان همنشین واژگان غلمان و ولدان به بیان وظیفه و نقش این موجودات در بهشت که همان پذیرایی و خدمتگذاری است، دلالت دارد.
- ۷- واژه «یطوف» در قرآن به معنای دور زدن، طواف کردن، گردش آمدن و معاشرت آمده است.

- ۸- قرآن باصراحت کامل، «لواط» را گناهی زشت و شنیع دانسته و تنها راه ارتباط جنسی درست را ازدواج زن و مرد اعلام می‌نماید.
- ۹- به دلیل تفاوت جنس بهشت با جنس دنیا، مختصات این دو با هم متفاوت است و اساساً تشبیه مثال‌های قرآنی به جهت نزدیک شدن ذهن مادی بشر به مواهب بهشتی است.
- ۱۰- صفات فرد بهشتی (مؤمن، پایدار در ایمان، پرهیزکار، مخلص، خداترس، توبه‌کننده، مطیع خدا و رسول خدا، دشمن دشمنان خدا، پیشگام در خیرات، مخالف هوای نفس، راستگو، نمازگزار، تصدیق‌کننده قیامت، نیکوکار)، به شدت با همجنس‌گرایی در تضاد است و محال است در بهشت وسیله‌هایی برای این تلذذ ناپسند فراهم شده باشد.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] Bernard Lewis: نویسنده انگلیسی، صاحب کتاب‌های: *بحران اسلام*، ۲۰۰۳، *اسلام و غرب، حشاشیون، جناح رادیکالی در اسلام*: ۱۹۸۷، *اعراب در تاریخ*: ۱۹۵۰، *زبان سیاسی اسلام* ۱۹۹۸، ("retrieved in November 1, 2015") http://en.wikipedia.org/wiki/Bernard_Lewis
- [۲] El-Rouayheb استاد دانشگاه هاروارد در رشته تاریخ روشنفکری اسلامی [http://nelc.fas.harvard.edu/people/khaled-el-rouayheb\(n.d\)](http://nelc.fas.harvard.edu/people/khaled-el-rouayheb(n.d))

منابع

۱. قرآن کریم: ترجمه‌های فارسی:
 - ابوالفتح رازی، حسین بن علی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
 - ارفع، سیدکاظم، تهران: ناشر: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ۱۳۸۱ش.
 - اشرفی تبریزی، محمود، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۸۰ش.
 - الهی قمش‌های، مهدی، قم: انتشارات فاطمه‌الزهرا، ۱۳۸۰ش.
 - امین، سیده نصرت، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
 - انصاریان، حسین، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش.
 - انصاری خوشایر، مسعود، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۷ش.
 - برزی، اصغر، تهران: انتشارات بنیاد قرآن، ۱۳۸۲ش.
 - بروجردی، سیدمحمدابراهیم، تهران: انتشارات صدر، ۱۳۶۶ش.
 - بلاغی، سیدعبدالحجت، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ق.
 - پاینده، ابوالقاسم، بی‌جا، بی‌تا.
 - پورجوادی، کاظم، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۴۱۴ق.
 - تقفی تهرانی، محمد، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق.
 - خانی و ریاضی، رضا، حشمت‌الله، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش.
 - خواجوی، محمد، تهران: انتشارات مولی، ۱۴۱۰ق.
 - دهلوی‌شاه، ولی‌الله، مدینه: مجمع ملک فهد للطباعة المصحف الشریف، ۱۴۱۷ق.
 - رشیدالدین میبیدی، احمدبن ابی سعد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
 - رضایی اصفهانی، محمدعلی، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ش.
 - رهنما، زین‌العابدین، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۴۶ش.
 - سراج، رضا، تهران: شرکت سهامی سراج، بی‌تا.
 - شعرانی، ابوالحسن، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.

- صادق نوبری، عبدالمجید، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۹۶ش.
- صفارزاده، طاهره، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، ۱۳۸۰ش.
- صفی‌علیشاه، حسن بن محمدباقر، تهران: انتشارات منوچهری، ۱۳۷۸ش.
- طبرسی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
- طبری، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶ش.
- فارسی، جلال‌الدین، تهران: انجام کتاب، ۱۳۶۹ش.
- فولادوند، محمدمهدی، تهران: دارالقرآن‌الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۴۱۵ق.
- فیض‌الاسلام، سیدعلی نقی، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۸ش.
- کاویانیور، احمد، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۷۸ش.
- گرمارودی، تهران: انتشارات قدیانی، ۱۳۸۴ش.
- میرزاخسروانی، علی رضا، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ق.
- مصطفوی، حسن، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
- مجتبیوی، سیدجلال‌الدین، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ش.
- مجد، امید، تهران: انتشارات امیدمجد، ۱۳۸۲ش.
- مشکینی، علی، قم: انتشارات الهادی، ۱۳۸۱ش.
- مصباح‌زاده، عباس، تهران: انتشارات بدرقه‌ی جاویدان، ۱۳۸۰ش.
- معزی، محمدکاظم، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، قم: دارالقرآن‌الکریم (دفتر مطالعات و تاریخ معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ش.
- نسفی، ابوحفص نجم‌الدین محمد، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۷ش.
- یاسری، محمود، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
- ۲. نهج البلاغه، مترجم: کاظم عابدینی مطلق، تهران: انتشارات آفرینه، ۱۳۷۹.
- ۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دارالشریف الرضی بالنشر، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ق.
- ۴. ابن فارس، احمد بن فارس، مقاییس اللغة، بیروت: داراحیاء التراث الغربی، ۲۰۰۱.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴.
۶. ازدی، ابو بکر محمد بن حسن بن درید، ترتیب جمهره اللغه، ترتیب و تصحیح: عادل عبدالرحمن بدری، مشهد: ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
۷. ازهری، ابن منظور محمد بن احمد، تهذیب اللغه، تهران: موسسه الصادق (علیه السلام) للطباعه و نشر، ۱۳۷۹.
۸. اسلامی، محمدجعفر، شرح و ترجمه‌ی رساله‌ی المتوکل‌ی، بی‌جا، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱.
۹. افضل‌ی، علی، ماده، زمان و مکان در عوالم پس از مرگ، پژوهش دینی، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۲ ش.
۱۰. انطون الیاس، الیاس، فرهنگ نوین عربی - فارسی، ترجمه: القاموس العصری، سیدمصطفی طباطبایی، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۱. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، مترجم: فریدون بدره‌ای، تهران: ناشر: فرزانه روز، ۱۳۸۸.
۱۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی (بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس‌ور) تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
۱۳. آذرنوش، آذرتاش، سبیل نفوذ الفارسیه (فی ثقافه عرب الجاهلیه و لغتهم)، ترجمه و تعلیق: محمدالتونجی، المجمع الثقافی، ابوظبی، امارات متحده عربی، ۲۰۰۴.
۱۴. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ جدید عربی - فارسی، ترجمه: منجدالطلاب، مترجم: محمد بندریگی، تهران: ناشر: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۵. تلخایی، مسعود، الفاظ تک کاربردی در قرآن، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، استاد راهنما: جعفر نکونام، دانشگاه قم، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. تونجی، محمد، بررسی واژگان مغرب و دخیل در زبان و ادبیات عرب، مترجم: علی کواری، تهران، ناشر: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (علیه السلام)، ۱۳۹۰.
۱۷. جفری، آرتور، فرهنگ واژگان خارجی قرآن کریم، مترجم: سعید نوری، تهران: ناشر: نوید نور، ۱۳۸۵.
۱۸. جوالیقی، ابن منصور موهوب بن احمد بن محمد، المعرب من الکلام الأعجمی علی حروف المعجم، القاها، دارالکتب المصریه، ۱۹۹۵.

۱۹. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، مترجم: پرویز اتابکی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.
۲۰. حیدری، سید محمد، المنهل فی الفروق اللغویه، قم، الاعداء: جامعه باقر العلوم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۲۱. رضایی و علی اکبری، رمضان، پری ناز، درآمدی بر واژه‌های دخیل در قرآن، تهران: سمت، مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، ۱۳۸۹.
۲۲. زارع شاهمرسی، پرویز، فرهنگ واژگان دخیل ترکی در زبان‌های فارسی و عربی، تهران: ناشر: تک درخت، ۱۳۹۰.
۲۳. زاوی طرابلسی، طاهر احمد، ترتیب القاموس المحيط علی طریقه المصباح المنیر و اساس البلاغه، ۱۹۵۹.
۲۴. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۵. سلیمانی، حسین، عدالت کیفری در آیین یهود، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۴.
۲۶. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی - فارسی مصور، (نسخه‌ی خطی) جلد ۳، تهران: نشر کتابفروشی اسلام، بی تا.
۲۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۸). المتوکل فیما ورد فی القرآن باللغات، بیروت: دارالبلاغه.
۲۸. صفی پور، عبدالرحیم ابن عبدالکریم، منتهی الارب فی لغه العرب، (نسخه‌ی خطی) بی جا، کتابخانه‌ی سنایی، بی تا.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، (امین الاسلام)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۳۰. عبدالرئوف، حسین، الاصول الستة عشر (ط، دارالحدیث)، مصحح: محمودی، ضیاءالدین و جلیلی، نعمت الله و غلامعلی، مهدی، قم: دارالشبستری للمطبوعات، ۱۳۸۱.
۳۱. عبدالرئوف، حسین، سبک‌شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)، مترجم: پرویز آزادی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۰.

۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، ۱۳۶۵ش.
۳۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دارالعلم للجميع، بی تا.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الاسلامیه)، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۳۶. معلوف، لوئیس، فرهنگ بزرگ جامع نوین، مترجم: احمدسیاح، تهران: کتابفروشی اسلام، بی تا.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۳۸. ملاصدرا (صدرالمتألهین)، محمد بن ابراهیم، الحکمه المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، (۹جلد)، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۹۸۱م.
۳۹. مؤدب و موسوی مقدم، سیدرضا و سیدمحمد، نقد دایره المعارف قرآن لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه، نشریه شیعه شناسی، پاییز ۸۷، شماره ۲۳.
۴۰. یگانه، فاطمه، بررسی استعاره های بهشت و جهنم در ترجمه فارسی قرآن، انجیل، تورات، با رویکرد معناشناسی شناختی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فریده حق بین، دانشکده ادبیات، زبان ها و تاریخ، دانشگاه الزهراء ۱۳۹۲.
41. The Holly Quran, English translation:
 -T.B.Ivring, 1991, The Qur'an, Singapore, Omar brothers.
 -Arberry, Arthur J., 1995: 1415, The Quran, Qom, Ansarian.
 -Saffarzadeh, Tahereh, 1385, The Holy Quran, Tehran, Pars book.
 -Yusuf Ali, Abdullah, 1995, The Holy Quran, New Delhi, kitab Bahavah.
 -Picktall, Marmaduke, The Glorious Quran, New York, ...
 -Shakir, M. H., 1982, The Holy Quran, New York.
 -Qarai, Ali Quli, THE QUR'AN, London, ICAS PRESS.
 (And two more translated Quran: Samira & Sarwar)

French translation:

- Abol Qasemi Fakhri, G, H., 2000, 1379, Le coran, Qom: Ansarian.

-Hamidullah, Muhammad, 1993, 1372, Le coran, Qom: Ansarian.

-Masson,Denise,(n.d.) Le coran, Qom: Ansarian.

42. El-Rouyaheb,Khaled,2005, Before homosexuality in the Arab Islamic World,1500-1800,USA,The University of Chicago,Press Chicago & London.
43. Floor, Willem, 2008, A social history of sexual relations in Iran, United State, Mage publisher
44. Lewis, B, 2001, music of a Distant Drum: classical Arabic, Persian, Turkish & Hebrew poems, United State, Princeton university press.
45. Mc Auliffe, Jane Dammen, 2002, Encyclopedia of the Quran, Boston, Leiden: Brill Academic publishers.
46. Robinson, Richard, 1950, Definition, Oxford: at the claredon press.